

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان

## سرلشکر تقدیس

کردم تلفن ، تا که بگیرم خبرت را  
بس جلب نمایم طرف خود نظرت را  
ناراحتی قلب ، که بودی به سراغت  
صد شکر ، صحت بوسه زدی خاک درت را  
چند روز شفاخانه ، که از بهر تداوی  
در بستر و بالین شفا ، ماندی سرت را  
جانجوری کامل که نصیبت ز خداوند  
بگرفته ز فضل و کرمش ، دور و برت را  
صد شکر به درگاه همان ایزد یکتا  
تابان به شب تار ، نموده قمرت را  
نازد به گل روی تو ، هم میهن و فرهنگ  
آغوش کند باز و بگیرد کمرت را  
باساز محبت ، ز وفارقصی به میدان  
از کوچه عشاق ، ببینم گذرت را  
در قاره دلهاست ترا ، کرسی جمهور

سر لشکر تقدیس ، ببالد سیرت را  
پُر جوهرِ تطهیر ، ترا خامهٔ تدبیر  
بامعنی و تفسیر ، نویسی اثرت را  
کس را نبود ، جرأتِ لا گفتن و الا  
گر گفت ، به بالله که ندیده تبرت را  
از تیغ و تبر ، تیز و قوی ، ضربِ کلامت  
صد نیزه و شمشیر ، چو کاهی ، سپرت را  
ماراست ، امیدِ چَرش از خوانِ مودت  
شیر و عسل و قند و نبات و شکریت را  
باغ و چمنِ خاطرِ فرهنگ ، معطر  
از برگ و گل و شاخه که هستی ، شجرت را  
« نعمت » که بایستد به اطاعت و عبادت  
دارد طلب از ایزد یکتا ظفرت را

( 2005/09/19 )